

تحلیل و تبیین تأثیر مؤلفه‌های مدیریتی، ساختاری و نگرشی فرهنگ بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی بررسی وضع موجود در دانشگاه پیام‌نور وجیهه کریمی^{۱*}، عبدالرحیم نوه ابراهیم^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی (مدیریتی، ساختاری و نگرشی) مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی است. از آنجا که حیات نظام‌های دانشگاهی در گرو خلق، تکامل و تحول علمی است و ارتباط ناگسستنی علوم انسانی با عوامل فرهنگی، تولید این علوم را با پیچیدگی و دشواری همراه ساخته، از این رو در پژوهش حاضر با روش آمیخته تأییدی به تحلیل و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی (مدیریتی، ساختاری و نگرشی) مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی پرداخته شده است. در بخش کیفی از نظریه داده‌بنیاد و در بخش کمی از روش پیمایشی استفاده شده است. داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از خبرگان مطالعات کلان علوم انسانی در دانشگاه خوارزمی تهران و دانشگاه اصفهان و در بخش کمی به‌منظور بررسی وضع موجود در دانشگاه پیام‌نور به کمک ۱۹۰ نفر از اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه پیام‌نور استان اصفهان و چهارمحل و بختیاری جمع‌آوری شده است. روایی محتوایی سؤالات مصاحبه و پرسش‌نامه توسط صاحب‌نظران و روایی همزمان پرسش‌نامه با ضرایب همبستگی در آزمون هم‌تراز مورد تأیید واقع شده است. همچنین پایایی سؤالات مصاحبه به کمک ضریب توافق (۰/۹۰/۰۶) و پایایی پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ (۰/۸۹) تأیید شده است. یافته‌های حاصل از مطالعات اسنادی و کیفی با روش داده‌بنیاد حاکی از تأثیر سه مؤلفه اصلی ساختاری، نگرشی و مدیریتی و ۵۵ زیرمؤلفه فرهنگی بر تولید علوم انسانی در آموزش عالی است که به‌منظور بررسی وضعیت موجود در دانشگاه پیام‌نور مورد آزمون واقع شده است. نتایج ماتریس همبستگی، ضریب تعیین و میزان F، نشانگر همپوشی و قدرت تبیین بالای این سه زیرمؤلفه فرهنگی با متغیر ملاک هستند. در این بین مؤلفه نگرش فرهنگی بیشترین سهم و مؤلفه مدیریت فرهنگی کمترین سهم را در تبیین متغیر تولید علوم انسانی در دانشگاه پیام‌نور دارا هستند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تولید علم، علوم انسانی، دانشگاه اسلامی.

۱- نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه پیام‌نور، ایران. vajihekarimi98@gmail.com

۲- استاد تمام گروه مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. Naveh1954@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

بیان مسئله

امروزه باور عمومی جهانی آن است که یکی از محورهای اصلی توسعه هر کشور، برخورداری از علم و خلق دانش نو است. خلق و تولید دانش در همه حوزه‌های علمی از نگاه اکثر محققان نیز، نخستین ویژگی نظام آموزش عالی محسوب می‌شود (مارکز، ۱۹۹۹، ص ۱۹). در بین علوم مختلف، علوم انسانی با تأکید بر جامعه، فرهنگ، زبان، روان و اندیشه انسان و ضرورت کسب شناخت درباره رفتارها، مسائل و زندگی فردی و اجتماعی انسان، دارای ویژگی‌های متمایزی است. هدف از تولید علم در این حوزه کسب اطلاعات پیرامون انسان و رفتارهای او، بررسی ویژگی‌ها، مسائل و بهبود زندگی افراد جامعه است (شریعتمداری، ۱۳۸۴). علی‌رغم این اهمیت، نتایج پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که گرچه مشارکت ایرانیان در تولید علم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ افزایش یافته، اما رتبه ایران در حوزه علوم انسانی و هنر ۵۱، در حوزه علوم اجتماعی ۴۲ و در حوزه علوم رفتاری و روان‌شناسی ۳۹ است و ما در زمینه تولید علوم انسانی از کشورهایی مانند برزیل، هند، لیتوانی و تایوان نیز عقب‌تر هستیم (پایگاه استنادی اسکوپوس، ۲۰۱۷). در این مسیر تعداد مقالات علمی نمایه‌شده ایران در سایر علوم ۱۵۹۰۴۶ است، اما در علوم انسانی ۳۸۵ است که در واقع این مقدار نسبت به آمریکا (۶۱۴۹۴۵۵) که در رتبه اول قرار دارد، بسیار پایین است (سایت سیماگو، ۲۰۱۵).

تحقیقات بسیاری علل و عوامل مؤثر بر این نقصان را مورد کنکاش قرار داده و ارتباط ناگسستگی تولید و خلق دانش را در حوزه علوم انسانی با عوامل فرهنگی بیان کرده است. فرهنگ یک جامعه نظام باورها، ارزش‌ها و کنش‌های یک اجتماع است که بر کنش‌های سایر نهادهای اجتماع نظارت نامرئی اعمال می‌کند و برای تثبیت وضعیت موجود، قابلیت‌های لازم را به نمایش می‌گذارد. فرهنگ جامعه به‌عنوان بخش وسیعی از محیط، گرچه مستقیماً تولیدکننده علم نیست، اما به‌مثابه ظرفی است که در درون خود علوم انسانی را می‌پروراند (شریعتمداری، ۱۳۸۴). فرهنگ دانشگاهی نیز به‌دلیل جمعیت بالای تحت پوشش و نقش‌آفرینی برون‌دادهای آن در شکل‌گیری فرهنگ جامعه حائز اهمیت است. از این‌رو دانشگاه‌ها از یک‌سو حافظ و انتقال‌دهنده میراث فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اند و از سوی دیگر، خود فرهنگ‌آفرین بوده و پاسخگوی نیازهای اجتماعی برای توسعه دانش و فناوری هستند (فضل‌الهی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳). این فرهنگ نیز به‌مثابه یکی از خرده‌فرهنگ‌های جامعه، دربردارنده مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهاست که به‌طور خاص بر اندیشه و عمل اهل علم تأثیر می‌گذارد و آمیخته‌ای از عناصر مربوط به چهار حوزه نظام ملی تعلیم و تربیت، حرفه علمی، رشته تخصصی و سازمان دانشگاه است (صفایی فخری و بهرنگی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۸-۱۴۳). از این‌رو به‌منظور بررسی تأثیر و تأثر عوامل فرهنگی و تولید علوم انسانی لازم است تمامی خرده‌فرهنگ‌های درون‌زا و برون‌زای دانشگاه مورد بررسی قرار بگیرند.

ذوالفقارزاده، امیری و زارعی (۱۳۹۰) در این چارچوب، فرهنگ در دانشگاه را به سه خرده فرهنگ اداری، آکادمیک و دانشجویی تقسیم کرده اند. اندازه نسبی هر خرده فرهنگ نیز معنادار و ناظر بر وزن بیشتر خرده فرهنگ متناظر در دانشگاه است. مرز بین این خرده فرهنگ ها باز بوده و سیالیت عضویت در آن ها را نشان می دهد. این خرده فرهنگ ها همگی درون فرهنگ سازمانی دانشگاه، فرهنگ نظام ملی آموزش عالی و فرهنگ دینی و فرهنگ ملی، تبلور می یابند. اضافه بر آنکه هریک از این اجزاء با خود فرهنگ خاصی را نظیر فرهنگ آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی و مانند آن به همراه دارند.

وجود تفاوت های ماهوی بین علوم انسانی و سایر علوم بر پیچیدگی ارتباط تولید علم در حوزه علوم انسانی و فرهنگ می افزاید. مفهوم تولید علوم انسانی از تولید علم در سایر حوزه ها عمیق تر بوده و تأکید بر جامعه، فرهنگ و اندیشه انسان در این علوم، خلق دانش را در این حوزه با پیچیدگی و دشواری بیشتری همراه ساخته است؛ زیرا ارزش و اهمیت دستاوردهای این علوم، بسته به کمیت آن نبوده و میزان پاسخگویی علم تولید شده به سؤالات مطروحه در عرصه های علمی متفاوت خواهد بود (مهرداد و همکاران، ۲۰۰۴). تولیدات این علوم نشان دهنده توان یک کشور در آفرینندگی اندیشه، طراحی و تولید یک محصول تازه یا دانش نوین است (فریدون، ۱۳۸۳، ص ۵۹۲) و به معنای نتایج مؤثر و بدیع حاصل از فعالیت های تحقیقاتی قلمداد می شود (سند چشم انداز، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

همچنین اسلامی بودن دانشگاه نیز به عنوان یکی از ویژگی های فرهنگی قابل ذکر بوده و می تواند ترغیب کننده یا تضعیف کننده تولید، ترویج و استفاده از علم باشد. اسلامی بودن دانشگاه که در این مطالعه نیز مطرح نظر واقع شده، به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص نیست؛ بلکه عجين ساختن دانش اندوزی با آداب معنوی و ارزش های دینی و انسانی در جامعه علمی و به معنای مبارزه با انحرافات علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به عناصری بدون احساس عاطفی و تعهد دینی و دمیدن روح استقلال در جامعه علمی کشور است. منظور از اسلامی بودن تنها ظاهر نبوده و باید روح دانشگاه ها اسلامی باشد و آرمان ها، اهداف و خلق و خوی آن، اسلامی شود (عیوضی، ۱۳۸۰). از این رو توجه به معیارها و شاخص هایی که باعث نهادینه ساختن و ارتقای فرهنگ اسلامی در دانشگاه شود، ضروری است. در صورتی که فرهنگ دانشگاه منطبق بر ساخت اجتماعی - فرهنگی جامعه باشد، توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی جامعه را خواهد داشت (نیستانی و رامشگر، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶).

بنابراین بررسی مسئله تولید علوم انسانی در دانشگاه های ایران بدون توجه به ویژگی های دینی و اسلامی مقدور نیست. همچنین تولید علم در این حوزه دارای پیچیدگی و فراوانی عناصر بوده و کارآمدی آن بدون توجه به خرده فرهنگ های درونی و بیرونی نظام آموزش عالی و کارکردهای متمایز آن، ذی نفعان مستقیم و غیرمستقیم آن و ویژگی های مختص دانشگاه اسلامی امکان پذیر نخواهد بود.

بررسی ادبیات تحقیق نشانگر وجود دست کم ۴۲ عامل تأثیرگذار فرهنگی بر تولید علم است که در جدول شماره ۱ تلخیص شده است. حاصل مطالعات اسنادی این پژوهش افزون بر آنکه نشان دهنده به هم تنیدگی و نبود ساختاری منظم در فرا تحلیل این مؤلفه‌هاست، بیانگر فقدان مطالعات خاص حوزه علوم انسانی در یک دانشگاه اسلامی نیز هست. در مطالعات گذشته عمدتاً به همه حوزه‌های علمی و همه دانشگاه‌ها به طور عام عنایت شده است؛ اما وجود دلایل قابل تأمل همچون تفاوت‌های ماهیتی، اختلاف در دیدگاه‌های معرفت‌شناختی در حوزه علوم انسانی و پیچیدگی تفکر انسان منجر به آن شده که نتوان با اقتباس و الگوگیری صرف از سایر علوم به نتایجی متقن در حوزه علوم انسانی دست یافت. از سوی دیگر، به منظور نهادینه ساختن فرهنگ اسلامی و حرکت دانشگاه‌ها به سمت این فرهنگ، لازم است با نگاهی جامع‌تر و در پژوهشی مستقل به شناخت، تبیین و طبقه‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی پرداخته شود. در این پژوهش دانشگاه پیام‌نور به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های اسلامی ایران مورد بررسی واقع شده است.

از این رو پژوهش حاضر باهدف تحلیل و تبیین تأثیر عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی بر تولید علوم انسانی در یکی از دانشگاه‌های اسلامی ایران یعنی دانشگاه پیام‌نور و طراحی الگوی پارادایمی پدیده مورد نظر صورت گرفته و تلاش شده به کمک نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه با صاحب‌نظران، ابعاد نهفته پدیده مورد نظر بررسی شود. در انتها با بررسی وضعیت موجود در دانشگاه پیام‌نور، پیشنهاداتی ارائه شده است.

جدول ۱. عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه‌های داخلی و خارجی در مطالعات اسنادی

۱	تشکیل، تقویت و استفاده مطلوب از توانمندی اجتماعات و انجمن‌های علمی به‌عنوان خرد جمعی (ساروخانی و ملکی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰؛ فراستخواه، ۱۳۸۷، ص ۲۷؛ شاپین و شافر، ۲۰۰۳؛ آراسته، ۱۳۸۶).
۲	برنامه‌ریزی هدفمند راجع به ارتقای فرهنگ علم (باقری و سلیمی، ۱۳۹۴).
۳	ایجاد فرهنگی دانش‌محور با شاخص‌های آزاداندیشی دینی (غروی نائینی و مصطفوی‌فرد، ۱۳۹۱).
۴	جایگزینی فرهنگ تولید به‌جای فرهنگ مصرف (غروی نائینی و مصطفوی‌فرد، ۱۳۹۱).
۵	ارتباطات علمی گسترده و تعاملات سازنده برای رویارویی با مسائل واقعی (ابراهیمی، ۱۳۸۷؛ کارنما، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹؛ کریمیان، ۱۳۸۹).
۶	تغییر رویکردهای مدیریتی در اعمال سیاست تقدم انسان‌ها بر راهبردها (فضل‌الهی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۰).
۷	ایجاد فرهنگ مطالبه‌گری (باقری و سلیمی، ۱۳۹۴).
۸	تبادلات آکادمیک بین کشورها (لرد و ترکیان، ۲۰۰۷، ص ۷۶۹؛ دوبریانسکی، ۲۰۰۶).
۹	تغییر الگوهای اداره دانشگاه‌ها از دیوان‌سالاری سیاسی به مشارکتی و تلفیقی در دانشگاه اسلامی (فضل‌الهی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۰).
۱۰	ایجاد فرهنگ صحیح نقد و انتقادپذیری (باقری و سلیمی، ۱۳۹۴).
۱۱	جایگزینی فرهنگ تولید به‌جای فرهنگ مصرف و تأکید بر مؤلفه‌های دینی و انگیزه‌های ایمانی (غروی نائینی و

	مصطفوی فرد، (۱۳۹۱).
۱۲	توجه به انسان و ارزش فرد، عقلانیت، جدی گرفتن حیات دنیوی و مادی، تجربه گرایی (فراسخواه، ۱۳۸۸).
۱۳	برخورداری از حقوق و آزادی های فردی و حق مشارکت اجتماعی (فراسخواه، ۱۳۸۸).
۱۴	حاکمیت روابط به جای ضوابط، فقدان فرهنگ پژوهش (شاه حسینی، ۱۳۷۶).
۱۵	درونی شدن نیاز به علم و تبدیل و تولید نظریه و فکر به یک ارزش عمومی در دانشگاه اسلامی (فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۹۰).
۱۶	تقویت اخلاقیات علمی در بین کارکنان علمی (فضل الهی، ۱۳۹۰؛ سوماتیپالا، ۲۰۱۲؛ شلر، ۱۹۹۶؛ اسکاربرور، ۲۰۰۱، ص ۲۹۵).
۱۷	تسلط روحیه و روش عینیت گرایی و کمیت گرایی و از نظر اقتصادی سودمند بر دانشمندان (میرفردی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶؛ هالفینی، ۲۰۰۸).
۱۸	شک و بازاندیشی انتقادی (فراسخواه، ۱۳۸۸).
۱۹	کمبود ابتکار، جسارت و خلاقیت در تولید اندیشه علمی (فکوهی، ۱۳۷۹؛ جعفری، ۱۳۷۶؛ عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳؛ ربانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ فضل الهی، ۱۳۹۰؛ خورسندی، ۱۳۸۷، ص ۱۶).
۲۰	فقدان فرهنگ انجام مطالعات میان رشته ای در تولید علوم انسانی (کلین، ۲۰۰۵؛ سیپل، ۲۰۰۶؛ هولم، ۲۰۰۵؛ گاردنر و مانیسلا، ۲۰۰۳).
۲۱	تمایل جامعه دانشگاهی به بازتولید، تکرار و خرده کاری در تولید علم و کم توانی در نوآوری های علمی، فقر نواندیشی و نظریه پردازی علمی (لطف آبادی، ۲۰۰۳؛ شکرروی، ۱۳۸۵).
۲۲	استبداد مدیریتی و مدیریت شتاب زده بر کانون های علمی و دانشگاه ها (منصوری، ۱۳۸۱؛ صدیق، ۱۳۸۱؛ نورمحمدی، ۱۳۸۱؛ کیوانی، ۱۳۸۴، ص ۵؛ فونک، ۱۹۹۵؛ مک لیتون، ۱۹۹۷؛ هایکینز، ۲۰۰۱).
۲۳	فرایندهای پشتیبان مدیریتی و محیط حقوقی مبتنی بر آزادی فکر (توفیقی و فراسخواه، ۱۳۸۱، ص ۱۰؛ فوهرمن، ۲۰۰۱؛ هود، ۲۰۰۵؛ هولت، ۲۰۰۸، ص ۷۱).
۲۴	توسعه زیرساخت های فرهنگی اداری (توفیقی و فراسخواه، ۱۳۸۱، ص ۱۰؛ فوهرمن، ۲۰۰۱؛ لاد، ۲۰۰۸؛ هولت، ۲۰۰۸، ص ۷۱؛ عبادالهی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۷).
۲۵	تقویت فرهنگ «سازمان علم» شامل: «نظام پاداش دهی»، «نظام ارتباطی»، «نظام حقوقی»، «نظام اداری» و عنصر «مدیریت» (عبادالهی، ۱۳۸۶).
۲۶	حمایت های سازمانی از برنامه های تولید علم (شوفر، ۲۰۰۷؛ موراوی، ۲۰۰۷).
۲۷	تعیین سیاست های دقیق و همزمان علمی (گامت، ۱۹۹۱، ص ۳۵؛ پیگانبول، ۱۹۹۱، ص ۳۰؛ صبوری، ۱۳۹۱، ص ۵۳؛ قربانی، ۱۳۸۵).
۲۸	آزادی علمی و استقلال دانشگاهی (آراسته، ۱۳۸۶، ص ۴؛ خورسندی، ۱۳۸۷، ص ۲۸؛ کلارک، ۲۰۰۶؛ توفیقی و فراسخواه، ۱۳۸۸، ص ۱۰؛ مرتون، ۱۹۹۳، ص ۲۲۷؛ گلور و استبریچ، ۲۰۰۴، ص ۷۶؛ فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۹۰).
۲۹	مهیجوریت علوم انسانی در ایران و به فراموشی سپرده شدن نقش و جایگاه آن (یزدی، ۱۳۸۵؛ زنجانی، ۱۳۸۵؛ قبادی، ۱۳۸۷).
۳۰	نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش و مراجعه به پژوهش های علوم انسانی (اسدزاده، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶؛ تقوی، ۱۳۷۸؛ کریمیان، ۱۳۸۹، ص ۳؛ فونک، ۱۹۹۵؛ مک کلینتون، ۱۹۹۷؛ هوپکینز، ۲۰۰۱).
۳۱	وجود نگرشی تزئینی و لوکس به پژوهش های علوم انسانی، نه نگاهی کاربردی (زمانی، ۱۳۸۱؛ هوپکینز، ۲۰۰۱).

۳۲	سپری نشدن مراحل تکامل و بلوغ تدریجی علوم انسانی (کاردان، ۱۳۸۵؛ عبداللهی، ۱۳۸۴، ص ۵۷؛ پارسانیا، ۱۳۸۵؛ خورسندی، ۱۳۸۷، ص ۱۶؛ کارنما، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸).
۳۳	جسارت نداشتن در اندیشه‌ورزی و بیان آراء علمی در پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم انسانی (عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳؛ جعفری، ۱۳۷۶، ص ۸).
۳۴	کهنه‌گرایی و اقتباس‌گرایی در علوم انسانی (فکوهی، ۱۳۷۹؛ عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳؛ جعفری، ۱۳۷۶).
۳۵	عادت به مصرف‌گرایی علمی در علوم انسانی (کاردان، ۱۳۸۵؛ مهاجری، ۱۳۸۲).
۳۶	تعجیل و بی‌صبری در حل مسائل دشوار و پیچیده علوم انسانی (عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸؛ بختیاری، ۱۳۸۷، ص ۴۰۸).
۳۷	بحران سودمندی و وجود نوعی نگاه آرمان‌گرایانه به علوم انسانی در ایران (خورسندی، ۱۳۸۷).
۳۸	ایجاد فرهنگ‌سازی و اشاعه ارزش‌های علمی در جامعه (رضایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).
۳۹	نداشتن جایگاه کارکردی و درک نیاز به پژوهش‌های علوم انسانی (محسنی، ۱۳۷۸، ص ۳۱؛ توسلی، ۱۳۷۴؛ خورسندی، ۱۳۸۷، ص ۱۷؛ میرفردی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳؛ ایرانمنش، ۱۳۷۶).
۴۰	نبود فرهنگ کاربست نتایج تحقیقات علوم انسانی در بین مدیران (صافی، ۱۳۸۶؛ آقازاده، ۱۳۸۵؛ نویدی، ۱۳۸۶؛ نامی، ۱۳۷۶؛ صافی، ۱۳۷۱؛ آقازاده، ۱۳۸۰؛ دادستان، ۱۳۸۰).
۴۱	حاکمیت فرهنگ رشته‌مدار یا وابسته به رشته در همه علوم به‌خصوص علوم انسانی (هولم و لیناسون، ۲۰۰۵؛ قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۷؛ کلین و نیوئل، ۱۹۹۸؛ سیبل، ۲۰۰۶؛ مانسیلا و گاردنر، ۲۰۰۳؛ لیلی و نورگارد، ۲۰۰۵؛ رحیمیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).
۴۲	الگوبرداری صرف از رشته‌های علوم پایه و تعمیم روش‌شناسی علوم تجربی به علوم انسانی (کارنما، ۱۳۸۷، ص ۲۸۴؛ پاریاد، ۱۳۸۷، ص ۲۹؛ میرزاییپور ارمکی، ۱۳۹۰، ص ۶۹؛ پالمیر، ۱۳۸۴؛ ساکی، ۱۳۸۷، ص ۵۹؛ فروند ژولین، ۱۳۷۲؛ آدامس، ۱۹۹۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، توسعه‌ای - کاربردی و بر حسب گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی پیمایشی و از نظر نوع داده‌ها، دارای روش ترکیبی^۱ (کیفی - کمی) است. روش این تحقیق در بخش کیفی، نظریه داده‌بنیاد^۲، تئوری مبتنی بر داده‌ها (گال و همکاران، ۱۳۸۳) یا تئوری وابسته به زمینه (بازرگان، ۱۳۸۷) است. نظریه داده‌بنیاد هم طرح پژوهش و هم روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام به حساب می‌آید (کراسول، ۲۰۰۷). در این پژوهش، محقق براساس پژوهش‌های انجام شده و نظریات ارائه شده قادر به ارائه فرضیات پژوهش نبوده، از این رو به جای ارائه و آزمودن فرضیه به ساخت نظریه و ارائه مدل پارادایمی براساس سؤالات پژوهش و داده‌های مبتنی بر زمینه اقدام شده است. بدین منظور، پس از انجام مطالعات اسنادی و نبود امکان اقتباس از یک الگو به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، اقدام به مصاحبه عمیق شده تا با زمینه‌یابی به کمک روش نظریه داده بنیاد، ابعاد

1- Mixed Method

2- Grounded Theory

نهفته پدیده استخراج و شناخت نسبتاً جامعی از عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی فراهم شود. فرایند اصلی در این پژوهش شامل تحلیل داده‌ها، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های خام، استخراج مفاهیم، مقولات اصلی و روابط بین آن‌ها (کدگذاری محوری) در چارچوب یک تئوری محقق ساخته است. در راستای اجرای این فرایند، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده در بخش کیفی کدگذاری باز شده‌اند. در این مرحله مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز تدوین شده و سر جای خود قرار گرفته‌اند. در مرحله دوم که شامل کدگذاری محوری است، مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها ربط داده شده و بین مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد پیوند برقرار شده است (کدگذاری محوری). در نهایت با ارائه مدل پارادایمی، عناصر پنج‌گانه شرایط علی، پدیده مورد مطالعه، عناصر زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای مورد نظر و پیامدها بیان شده است. زیرا در نظریه داده‌بنیاد به منظور تفکر سیستماتیک درباره داده‌ها، از یک پارادایم یا سرمشق استفاده می‌شود که داده‌ها را با یکدیگر مرتبط سازد (استراس، ۱۹۹۰). جامعه آماری در بخش کیفی، صاحب‌نظران مطالعات کلان علوم انسانی در دانشگاه‌های تهران و اصفهان هستند. با توجه به اینکه نمونه‌گیری در نظریه داده‌بنیاد به صورت غیراحتمالی است (هومن، ۱۳۸۵). در این پژوهش نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۲۰ نفر از خبرگان شناسایی و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفته‌اند. برای تعیین روایی و پایایی سؤالات مصاحبه به ترتیب از روش روایی محتوایی و روش ضریب توافق (۹۰/۰۶) استفاده شده است.

بخش کمی پژوهش نیز در سه مرحله به اجرا درآمده: در مرحله نخست به بررسی تناسب سنجی مؤلفه‌ها و عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی پرداخته شده است. در این پرسش‌نامه در مورد تناسب مؤلفه‌ها و عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی با زیرمؤلفه‌های مربوطه، از افراد مورد مصاحبه سؤال و نظرات آنان در راستای بهبود کیفی پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است. در مرحله دوم نسبت به اجرای آزمایشی ابزار پژوهش اقدام شده. پرسش‌نامه به ۳۰ نفر از جامعه آماری بخش کیفی که مشتمل بر صاحب‌نظران این حوزه است، ارائه و در مورد مؤلفه‌های مورد بررسی و سؤالات مطرح شده، نظرات تخصصی آنان اخذ شده تا روایی^۱ محتوایی تأمین شود. برای اطمینان بیشتر از روایی ابزار از روایی همزمان نیز استفاده شده است. بدین صورت که در ابزار طراحی شده برای هر یک از مؤلفه‌های مورد سنجش در پرسش‌نامه، سؤال کلی که مفهوم اصلی آن مؤلفه را مورد سنجش قرار می‌دهد، پرسیده شده و با محاسبه ضریب همبستگی مجموع سؤالات هر مؤلفه و این سؤال کلی، روایی همزمان محاسبه شده است (کیامنش، ۱۳۸۴). بررسی روایی محتوایی و همزمان ابزار

در اجرای آزمایشی، منجر به اصلاحات علمی - ساختاری در پرسش نامه شده. همچنین همسانی درونی عوامل توسط آلفای کرونباخ بررسی شده که حدود ۰,۷۰ و بالاتر است و نشان دهنده پایایی بالای عوامل فرعی در راستای عامل اصلی و قابلیت اعتماد مطلوب عوامل مورد بررسی است.

در مرحله سوم اجرای ابزار، پرسش نامه محقق ساخته تدوین شده متشکل از ۳ عامل و ۵۵ سؤال یا گویه در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت به منظور بررسی وضع موجود در دانشگاه پیام نور مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری در این بخش کمی، مشتمل بر تمامی اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه پیام نور استان اصفهان و چهارمحل و بختیاری (۳۲۰ نفر) است که تعداد ۱۹۰ نفر از این جامعه طبق فرمول کوکران به عنوان نمونه برآورد و به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (متناسب با جمعیت جامعه آماری دو استان) گزینش شده‌اند. برای تحلیل داده‌های کمی نیز از نرم‌افزار آماری SPSS۲۳ و روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های کیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از مصاحبه با خبرگان براساس نظریه داده‌بنیاد است. بدین منظور در بخش کیفی پژوهش، پس از استخراج نکات کلیدی مصاحبه‌ها (۷۹ نکته) و خارج ساختن از حالت جمله‌ای و حذف موارد تکراری، کدگذاری باز صورت گرفته است. این کدها حاصل بررسی دقیق مشابهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم ارائه شده در پاسخ به سؤالات است و بدون در نظر گرفتن روابط بین آن‌ها و صرفاً به عنوان مفاهیم و گزاره‌های مفهومی جمع‌آوری شده‌اند. بعد از مراجعه مکرر به مصاحبه‌ها، استفاده از نظر خبرگان و برقراری ارتباط منطقی بین کدهای باز، تعداد این کدها به ۵۵ کد باز رسید. در گام بعدی این فرایند برای شکل‌گیری مقوله ادامه یافت؛ به گونه‌ای که مفاهیم مشترکی که مبنای موضوعی داشتند در کنار هم، شکل‌گیری مقوله را متجلی ساختند. بعد از بازبینی فراوان مصاحبه‌ها و برقراری ارتباط منطقی بین کدهای باز، تعداد این کدها به سه زیرمقوله رسید که در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲. تعداد کدهای باز و محوری عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی

کدهای محوری	کدهای باز	
مدیریتی	تغییر الگوهای اداره دانشگاه‌ها از دیوان‌سالاری به مشارکتی اسلامی	۱
مدیریتی	برخورداری از حقوق و آزادی‌های فردی و حق مشارکت اجتماعی در جامعه دینی	۲
مدیریتی	حاکمیت ضوابط اخلاقی و اسلامی به جای روابط	۳
مدیریتی	ایجاد مدیریت منطقی و غیر شتاب‌زده بر کانون‌های علمی و دانشگاه‌ها	۴

مدیریتی	تصویب قوانین و مقررات حمایت کننده از طرح های تولید علم در حوزه علوم انسانی	۵
مدیریتی	تصویب قوانین حمایت کننده از استادان و پژوهشگران حرفه ای در این حوزه	۶
مدیریتی	ایجاد طرح های مدون برای حمایت مالی از فعالیت های علمی با کیفیت	۷
مدیریتی	تعیین سیاست های دقیق و همزمان علمی با نیازهای کشور	۸
مدیریتی	آزادی علمی و استقلال دانشگاهی	۹
مدیریتی	ارتباطات علمی گسترده و تعاملات سازنده برای رویارویی با مسائل واقعی	۱۰
مدیریتی	فرایندهای پشتیبان مدیریتی و محیط حقوقی مبتنی بر آزادی فکر در دانشگاه اسلامی	۱۱
ساختاری	تغییر دیدگاه سیاست گذاران و برنامه ریزان برای سرمایه گذاری در بخش دولتی برای تحقیق	۱۲
ساختاری	اصلاح دیدگاه سرمایه گذاری بخش خصوصی برای تحقیق و پژوهش در این حوزه	۱۳
ساختاری	ایجاد رویکردی مبنی بر تشکیل صندوق های سرمایه گذاری مخاطره آمیز برای انجام فعالیت های علمی هزینه بر و طولانی مدت در علوم انسانی	۱۴
ساختاری	تخصیص سرمایه برای ایجاد و گسترش واحدهای دانش بنیان در حوزه علوم انسانی	۱۵
ساختاری	ایجاد رویکردهای کیفی - و نه کمی - در سرمایه گذاری مناسب برای آموزش در علوم انسانی	۱۶
ساختاری	ایجاد فرهنگ دانش محور در بین مدیران و مردم	۱۷
ساختاری	ایجاد تبادلات گسترده آکادمیکی بین صاحب نظران علوم انسانی در داخل و خارج	۱۸
ساختاری	برنامه ریزی هدفمند راجع به ارتقای فرهنگ علم	۱۹
ساختاری	توسعه زیرساخت های فرهنگی و اداری	۲۰
ساختاری	تقویت فرهنگ «سازمان علم» شامل: «نظام پاداش دهی»، «نظام ارتباطی»، «نظام حقوقی»	۲۱
و ...		
ساختاری	تداخل نگرش های دینی، سیاسی و علمی در مورد مسائل علوم انسانی	۲۲
ساختاری	حساسیت های سیاسی یا دینی به پژوهش های علوم انسانی	۲۳
ساختاری	شفافیت سیاست ها و خط مشی های نظام سیاسی برای علوم انسانی در دانشگاه اسلامی	۲۴
ساختاری	نبود حمایت های سازمانی از برنامه های تولید علم در علوم انسانی	۲۵
ساختاری	سپری نشدن مراحل تکامل و بلوغ تدریجی علوم انسانی در یک نظام اسلامی	۲۶
ساختاری	نبود ساختار دانشگاهی حمایتگر نسبت به تقویت پژوهشگران با پژوهش های با کیفیت	۲۷
ساختاری	تمرکز و رسمیت در ساختار دانشگاه	۲۸
ساختاری	حاکمیت فرهنگ رشته مدار و فقدان فرهنگ مطالعه میان رشته ای	۲۹
نگرشی	نبود هماهنگی و توجیه کارکنان اداری دانشگاه ها پیرامون وظایف پژوهشی اساتید	۳۰
نگرشی	باور به دست دوم بودن علوم انسانی نسبت به علوم پایه و تجربی	۳۱
نگرشی	همکاری دوطرفه بین دانشمندان و مردم برای ترویج علم	۳۲
نگرشی	ایجاد فرهنگ به کارگیری نتایج تحقیقات علوم انسانی در بین مردم و مدیران	۳۳
نگرشی	تغییر رویکردهای مدیریتی در اعمال سیاست تقدم انسان ها بر راهبردها	۳۴
نگرشی	ایجاد فرهنگ مطالبه گری در میان جامعه و مدیران برای حل مسائل کشور	۳۵
نگرشی	تضاد با فرهنگ اسلامی و رونق فرهنگ بازتولید، تکرار و خرده کاری در تولید علوم انسانی	۳۶
نگرشی	تعجیل و بی صبری جامعه و مدیران در حل مسائل دشوار و پیچیده علوم انسانی	۳۷
نگرشی	ایجاد فرهنگ صحیح نقد و انتقاد پذیری	۳۸

نگرشی	توجه به انسان و ارزش فرد، جدی گرفتن حیات دنیوی و مادی و تجربه‌گرایی	۳۹
نگرشی	درونی شدن نیاز به علم و تبدیل و تولید فکر به یک ارزش عمومی در دانشگاه اسلامی	۴۰
نگرشی	تقویت اخلاقیات علمی در بین کارکنان علمی	۴۱
نگرشی	تسلط روحیه و روش عینیت‌گرایی و کمیت‌گرایی بر دانشمندان علوم انسانی	۴۲
نگرشی	نبود فرهنگ شک و بازانندیشی انتقادی در دانشگاه اسلامی	۴۳
نگرشی	کمبود ابتکار، جسارت و خلاقیت در تولید اندیشه	۴۴
نگرشی	کم‌توانی در نوآوری‌های علمی، فقر نوآندیشی و نظریه‌پردازی علمی	۴۵
نگرشی	الگوپرداری صرف از رشته‌های علوم پایه و تعمیم روش‌شناسی علوم تجربی	۴۶
نگرشی	مهم‌جوریت علوم انسانی در ایران و به فراموشی سپرده شدن نقش و جایگاه آن	۴۷
نگرشی	نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش و مراجعه به پژوهش‌های علوم انسانی	۴۸
نگرشی	وجود نگرشی تزیینی و لوکس به پژوهش‌های علوم انسانی، نه نگاهی کاربردی	۴۹
نگرشی	جسارت نداشتن در اندیشه‌ورزی و بیان آراء علمی در پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم انسانی	۵۰
نگرشی	کهنه‌گرایی و اقتباس‌گرایی در علوم انسانی	۵۱
نگرشی	بحران سودمندی علوم انسانی از منظر اجتماعی	۵۲
نگرشی	بحران سودمندی و وجود نوعی نگاه آرمان‌گرایانه به علوم انسانی در ایران	۵۳
نگرشی	نبود فرهنگ‌سازی و اشاعه ارزش‌های علمی در جامعه	۵۴
نگرشی	نداشتن جایگاه کارکردی و نبود درک نیاز به انجام پژوهش‌های علوم انسانی	۵۵

بنابراین باتوجه به تشریح عناصر نظریه یاد شده براساس نظریه داده‌بنیاد، می‌توان به سؤال بخش کیفی پژوهش مبنی بر مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی پاسخ داد. نتایج این تحلیل‌های کیفی از مصاحبه‌های انجام شده، سه مؤلفه اصلی فرهنگی را بر تولید علوم انسانی مؤثر عنوان کرده که به شرح مختصری از هر یک پرداخته خواهد شد:

۱- عوامل نگرشی: تقریباً در بیشتر کشورهای جهان - اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه - علوم انسانی در قیاس با سایر حوزه‌های دانش (علوم تجربی و فنی) به دلیل ناملموس بودن نتایج عملی، از اقبال عمومی و اعتبار اجتماعی کمتری برخوردار است. دکتر «مقصود فراستخواه»، استاد برجسته برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی در این باب بیان می‌دارد که: «مسئله نقصان‌های نگرش فرهنگی در تولید علوم انسانی در کشور ما زمانی حادث می‌شود که این نگاه در بین مدیران نیز تسری یافته و علوم انسانی را مانند سایر علوم در دو عرصه علم محض و علم کاربردی، قادر به مسئله‌یابی و چاره‌اندیشی پیرامون مسائل و مشکلات انسانی - اجتماعی نمی‌داند». وی در ادامه عنوان می‌کند که نبود درک جایگاه و اهمیت علوم انسانی و فراموش کردن نقش آن از سوی مدیران و بخش اداری، نگرش منفی اجتماعی را رونق بخشیده و بسترساز نبود حمایت سازمان‌های خصوصی و NGOها از اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه شده است. همچنین دکتر «محمدرضا آراسته» نیز چنین مطرح می‌کند که:

«بررسی سیاست های علمی کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که گرچه پیشرفت آن ها بیشتر به توسعه فناوری های نوین نسبت داده می شود، اما چگونه علوم مشتمل بر علوم زندگی، علوم اجتماعی و انسانی، استخوان بندی این جوامع مدرن را شکل داده اند و موجب پیشرفت و شکل گیری ساختارهای آموزشی، دولتی و اجتماعی آن ها شده اند». براساس نظر اغلب مصاحبه شوندگان از جمله دکتر «عبدالرحیم نوه ابراهیم»، «اضافه بر نگرش های منفی اجتماعی و اداری به این حوزه از علم، وجود نوعی نگرش معیوب در فرهنگ علمی این حوزه نیز منجر به مسائلی همچون: انتقال و تعمیم همه جانبه روش شناسی علوم طبیعی به علوم انسانی، تأکید بر مطالعات تکرشته ای، کهنه گرایی و اقتباس، دگماتیسم فکری و جسارت نداشتن در اندیشه ورزی و بیان آراء علمی در پژوهشگران و صاحب نظران علوم انسانی شده که از عمده ترین عوامل فرهنگی - نگرشی در این حوزه محسوب می شود».

۲- عوامل مدیریتی: در بیشتر کشورها، نظام سیاسی و مدیریتی کشور تمایل دارد اهرم های نفوذ خود را در نظام علمی وارد کند. این نفوذ اغلب از طریق سیاست های اقتصادی اعمال می شود. اما در برخی موارد با توجه به موضوعیت علوم، به شکل دیگری همچون ممانعت از آزادی علمی، دخالت در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها، اعمال نظرهای غیرحرفه ای و مدیریت دیکتاتورگرا صورت می گیرد. براساس نظر مصاحبه شوندگان در حوزه علوم انسانی ایران نیز به جهت حساسیت های سیاسی همواره محدودیت هایی در این حوزه به وجود آمده است. همچنین در تأمین و تخصیص اعتبارات آموزشی و پژوهشی، سهم بسیار اندکی از بودجه دانشگاه ها و سازمان ها به این حوزه و تحقیقاتش تعلق می گیرد و حتی در اعطای گرانت های پژوهشی نیز به اساتید علوم انسانی مبالغی ناچیز پرداخت می شود. حال آنکه تحقیقات علوم انسانی به دلیل نفربری، زمان گیری و حساسیت اجتماعی نیازمند بودجه های قابل توجه تری هستند. «فراستخواه» بیان می دارد که: «تقویت مدیریت علمی و استقلال دانشگاهی، جایگاه بخشی به اجتماعات علمی و نهادها و انجمن های علمی، پاسخگویی به نیازهای جامعه، کمک به پیشبرد و سرعت بخشیدن به فرایند تولید علوم انسانی، برقراری ارتباطات علمی در سطح داخلی و بین المللی و ایجاد جو سازمانی پویا و صمیمی از مصادیق فرهنگ مناسب مدیریتی برای تولید علوم انسانی است».

۳- عوامل ساختاری: براساس نگرش سیستمی، فرایند تولید علوم انسانی علاوه بر سه عنصر اصلی نظام علم یعنی استاد، دانشجو و محتوای آموزشی که با یکدیگر در تعاملند، با فرایندها و ساختارهای دیگری نیز در ارتباط است. «بهرنگی» نیز عنوان می کند که: «فرهنگ حاکم بر این ساختارهای مدیریتی و برنامه ریزی در سطح کلان و میانی و نحوه تصمیم گیری سیاست گذاران و مدیران، آزادی علمی، فرایندهای پشتیبانی تسهیل گر، نهادهای علمی پویا، توسعه زیرساخت ها،

امکانات و تجهیزات، توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسعه منابع مالی و اعتباری، توسعه منابع انسانی و سرانجام نظام اعتبارسنجی، ارزیابی و نظارت ملی از جمله مواردی به حساب می‌آیند که در تولید علوم انسانی باید مطرح نظر قرار گیرند». مهیا ساختن زیرساخت‌های فرهنگی لازم برای تولید علوم انسانی در گرو کوشش‌های عالمانه‌ای است که تمامی ابزارها و امکانات متناسب را برای دستیابی به هدف، تشخیص و به فراخور در اختیار افراد قرار می‌دهد. همچنین در نظریه داده‌بنیاد به منظور تفکر سیستماتیک درباره داده‌ها، از یک پارادایم یا سرمشق استفاده می‌شود که داده‌ها را به صورتی پیچیده با یکدیگر مرتبط می‌سازد. ما نیز در این بخش به تبیین و تشریح الگوی پارادایمی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی (شکل شماره ۱) می‌پردازیم. این الگوی پارادایمی برگرفته از اشتراس و کوربین (۱۹۹۰، ص ۱۰۰) بوده و شامل عناصر پنج‌گانه شرایط علی، پدیده مورد مطالعه، زمینه تأثیرگذار، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای مورد نظر و پیامدهاست.

- **شرایط علی:** شرایط علی در واقع شرایطی است که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). در تحلیل‌های دریافتی از مصاحبه‌ها علت پدیده «نقص در مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی»، شرایطی از جمله دیدگاه‌های فرهنگی نامطلوب در میان افراد جامعه، مدیران و صاحب‌نظران، نبود برنامه‌های جامع و مدون به منظور تغییر نگرش عمومی و تخصصی برای تولید و اشاعه این علوم، تأمین و تخصیص نیافتن منابع مادی، مالی و انسانی مناسب در راستای بهبود شرایط و نبود حمایت قانونی از نظریه‌پردازی و آزاداندیشی در این حوزه بیان شده است.

- **پدیده:** پدیده، حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله‌کُنش متقابل برای کنترل و اداره کردن آن معطوف می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). پدیده مورد مطالعه در این پژوهش «نقص در مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی» است.

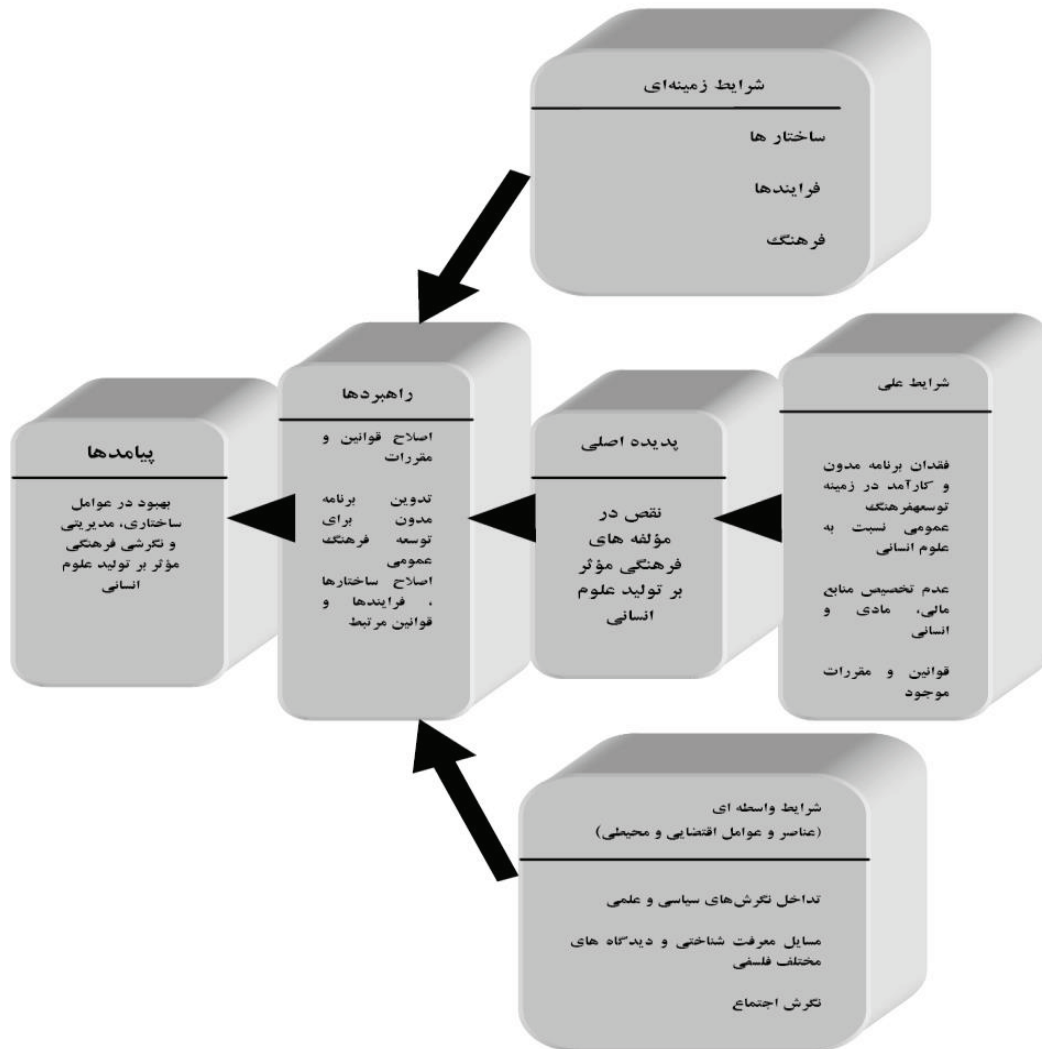
- **زمینه:** زمینه نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که در آن راهبردهای کُنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). یکی از زمینه‌هایی که برای تبیین پدیده مورد مطالعه از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان می‌توان به آن اشاره کرد، ساختار سازمانی، فرایندهای موجود و عوامل مدیریتی هستند. به اعتقاد ایشان، در ساختار علمی کشور گرچه بر واژه علم تأکید می‌شود، اما همچنان در مدیریت و سیاست‌گذاری، ساختارهای مداخله‌گر، تصدی‌گرا و تمرکزطلب به قوت خود باقی هستند. از سویی دیگر، ساختار علمی که باید از قابلیت انعطاف و پویایی لازم برای هماهنگی با تغییرات و تحولات، پذیرش بازاندیشی، نقادی و نوآوری برخوردار باشد، با تمرکزگرایی به فضایی غیر قابل انعطاف تبدیل شده است.

- **شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر شرایطی است که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارد (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴). براساس مصاحبه‌های انجام شده و تحلیل آن‌ها، شرایط مداخله‌گر در این پژوهش بیشتر مربوط به نگرش‌های ناخواسته فردی، اجتماعی و مدیریتی به حوزه علوم انسانی است که از آن جمله می‌توان به نگرش سیاست‌گذاران و مدیران به علوم انسانی به‌عنوان علمی سطح پایین، تداخل دیدگاه‌های سیاسی و علمی آنان، دیدگاه منفی اجتماع به علوم انسانی و دیدگاه‌های متضاد فلسفی درباره موضوعات معرفت‌شناختی در این حوزه اشاره کرد.

- **راهبردها:** راهبردهای مورد نظر در نظریه داده‌بنیاد به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). هدف راهبردهای مورد نظر در نظریه داده‌بنیاد، ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه، اداره کردن، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). از دیدگاه خبرگان این پژوهش راهبردها به ترتیب زیر ارائه شده است: تدوین برنامه مدون و کارآمد برای رفع نقایص فرهنگی در ابعاد مدیریتی، ساختاری و نگرشی، تغییر در قوانین و مقررات موجود همچون قوانین مربوط به نحوه تصمیم‌گیری درباره مسائل حوزه علوم انسانی، قوانین مربوط به گزینش دانشجو، قوانین مطالعاتی - تحقیقات در سطح خرد و کلان، قوانین اداری - انضباطی، قوانین مربوط به ارزشیابی اساتید و تسلط روحیه کیفیت‌گرایی، قشربندی دقیق بین اساتید، محققان دانشگاهی و تفکیک وظایف و... . همچنین تأمین و تخصیص منابع مالی و نیروی انسانی کارآمد در راستای توسعه فرهنگ عمومی پیرامون ضرورت‌ها، مزایا و راهبردهای اشاعه محتواهای به‌روز علوم انسانی در بین افراد جامعه به‌منظور حل مسائل خرد و کلان فردی و اجتماعی از اصلی‌ترین راهکارها بیان شده است. تجدید نظر در ساختار سازمانی و طراحی ساختارهای پویا نیز به‌عنوان راه‌حل مطرح شده است. بی‌شک نهادسازی مناسب یکی از اولین و مهمترین گام‌ها در این جهت به حساب می‌آید.

- **پیامدها:** اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت اداره و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). پیامدها به بهبود کمی و کیفی تولیدات علوم انسانی، بهبود در نظریه‌پردازی، تازه‌گرایی و نواندیشی، کیفیت‌گرایی و... اشاره دارد. براساس کدهای احصاء شده، در صورتی که مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی به‌طور اثربخش و حرفه‌ای مدیریت شود، اجتماعات و نهادهای علوم انسانی پویا شده و به‌دنبال آن تعامل سازنده بین صاحب‌نظران این حوزه جهت رویارویی با مسائل و تعامل با دیگر حوزه‌های علوم اتفاق می‌افتد. همچنین غلبه تفکر مهندسی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علوم انسانی کشور و کاهش مهجوریت علوم انسانی در صورتی حادث می‌شود که با حمایت از استادان و پژوهشگران

حرفه‌ای در حوزه علوم انسانی، نظام‌مندسازی تحقیقات این حوزه، تدوین استراتژی‌های کارآمد و ایجاد بازار کار برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی، ضرورت اجتماعی و مدیریتی آن احساس شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی مدیریت توسعه علوم انسانی براساس الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)

یافته‌های کمی پژوهش حاضر نیز شامل یافته‌های توصیفی و استنباطی است. شاخص‌های توصیفی بیانگر مطلوب بودن میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در وضعیت موجود دانشگاه پیام‌نور است. عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی است.

یافته های استنباطی پژوهش درجهت آزمودن و مشخص ساختن میزان تأثیر هر یک از عوامل در وضعیت موجود در دانشگاه پیام نور است. به منظور مطالعه سهم مؤلفه های سه گانه فرهنگی (مدیریتی، نگرشی و ساختاری) بر تبیین واریانس سازه تولید علوم انسانی، مشخص کردن تأثیر عوامل مؤثر و پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده می شود. پیش از پرداختن به میزان تأثیر عوامل فوق الذکر، ابتدا ماتریس همبستگی میان سازه تولید علوم انسانی و عوامل سه گانه مؤثر بر آن ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی تولید علوم انسانی و مؤلفه های فرهنگی مؤثر بر آن

متغیرهای پیش بین (مؤلفه های سه گانه)	متغیر ملاک (تولید علوم انسانی)
مدیریتی	۰,۲۱۵**
نگرشی	۰,۴۵۱**
ساختاری	۰,۳۵۵**

** P < 0.01, * P < 0.05

چنانچه مشاهده می شود ضرایب مرتبه صفر به دست آمده حاکی از همبستگی خوبی بین متغیرهای مذکور است. مطالعه ضرایب همبستگی میان متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک نشان می دهد که دو عامل نگرش با ضریب ۰,۴۵۱ و ساختاری با ضریب ۰,۳۵۵ بالاترین همبستگی را با متغیر ملاک تولید علوم انسانی دارا هستند. از این رو در این بخش به منظور مطالعه تأثیر و تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر یعنی متغیرهای پیش بین بر مؤلفه تولید علوم انسانی (متغیر ملاک)، ترکیب خطی این متغیرها با هم، نتایج تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون همزمان این متغیرها ارائه می شود. برای اطمینان از تخطی نداشتن از مفروضه های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی پراکندگی، از تحلیل های مقدماتی استفاده شده است. مقادیر گزارش شده CI، DW، Tolerance و VIF در جدول شماره (۴) نشان دهنده تخطی نداشتن از مفروضات استقلال خطاها، هم خطی و نرمال بودن توزیع خطاها بوده است.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون همزمان متغیر ملاک تولید علوم انسانی بر حسب متغیرهای پیش‌بین

آماره‌های تشخیص هم‌خطی				R ² تعدیل شده	R	F	DW	سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مراحل			
CI	EV	VIF	Tol							β	Std B				
۱,۰۰۰	۹,۷۹۲	-	-	۰/۱۸۶	۰/۴۳۲	۱۱۱/۳۸	۱/۸۹	۰/۰۰۷	۲,۷۰۶	-	/۱۱۴ ۰	/۳۰۹ ۰	(ثابت)		
۱۹,۹۴۹	۰,۰۲۵	۱,۹۰۶	۰/۵۳۵							۰/۰۰۰	۸,۴۳۰	۰/۳۱۰	/۰۲۷ ۰	/۲۲۸ ۰	نگرشی
۲۲,۰۲۶	۰,۰۲۰	۱,۶۶۳	۰/۶۰۱							۰/۰۰۰	۵,۲۴۵	۰/۱۸۰	/۰۳۲ ۰	/۱۹۸ ۰	ساختاری
۲۷,۹۷۷	۰,۰۱۳	۱,۹۵۷	۰/۵۱۱							۰/۰۰۰	۴,۶۱۴	۰/۱۷۲	۰/۲۶ ۰	/۱۲۰ ۰	مدیریتی

همان‌گونه که جدول شماره (۴) نشان می‌دهد، ضریب همبستگی چندگانه متغیر ملاک تولید علوم انسانی و متغیرهای پیش‌بین برابر با ۰/۴۳۲ و ضریب تبیین تعدیل شده آن ۰/۱۸۶ است. از مطالعه نتایج حاصل می‌توان اعلام کرد که ۱۸/۶٪ از واریانس متغیر ملاک تولید علوم انسانی با متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود. تحلیل واریانس متغیر ملاک تولید علوم انسانی بر حسب متغیرهای پیش‌بین نیز حاکی از آن است که میزان F به دست آمده (۱۱۱/۳۸) در مرحله ورود همزمان متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰,۰۰۰۱ معنادار شده و این نشانگر تبیین واریانس متغیر ملاک تولید علوم انسانی با متغیرهای پیش‌بین است. همچنین سهم هر یک از متغیرهای وارد شده به مدل را در پیش‌بینی تولید علوم انسانی نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود، متغیرهای عوامل نگرشی، ساختاری و مدیریتی به ترتیب دارای سهم بیشتری در تبیین واریانس متغیر ملاک تولید علوم انسانی بوده و به ترتیب دارای ارزش بتای بالاتری هستند. بنابراین از مطالعه ضرایب به دست آمده مشخص شد که متغیر نگرش (نگرش اجتماعی، اداری و علمی) با قدرت بیشتری می‌تواند واریانس متغیر ملاک را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که بیان شد در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی پیرامون نقش عوامل فرهنگی بر عملکردهای سه‌گانه (آموزش، پژوهش و خدمات) مؤسسات آموزش عالی صورت گرفته، اما عمدتاً این پژوهش‌ها به شکلی عام نقش فرهنگ را بر همه کارکردهای دانشگاه، تمامی علوم و همه دانشگاه‌ها بررسی کرده‌اند. از این‌رو هدف از انجام این پژوهش تحلیل و تبیین «عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی» مؤثر بر «تولید علوم

انسانی» در دانشگاه های ایران، طراحی الگوی پارادایمی پدیده مورد نظر به کمک نظریه داده بنیاد و آزمون این عوامل در وضعیت موجود دانشگاه پیام نور است. مطالعات اسنادی و یافته های تحلیلی بخش کیفی این مطالعه نشان می دهد که دست کم سه مؤلفه اصلی و ۵۵ زیرمؤلفه فرهنگی بر تولید علوم انسانی اثرگذارند که شامل مؤلفه نگرش، مؤلفه ساختار و مؤلفه مدیریتی هستند. این مؤلفه ها براساس شاخص های کمی نیز مورد بررسی واقع شده اند. شاخص های توصیفی مبین مطلوب بودن میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه ها و زیرمؤلفه های فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در وضعیت موجود دانشگاه پیام نور است. در بین این عوامل، عامل مدیریت دارای کمترین سهم و عامل نگرش دارای بیشترین سهم بر تولید علوم انسانی در دانشگاه پیام نور هستند. همچنین انحراف استاندارد در حد یک و پایین تر برای نمرات گزارش شده که بیانگر مطلوبیت و همگونی پاسخ ها به سؤالات مطرح شده و پراکندگی پایین نمرات حول و حوش میانگین است. نتایج ماتریس همبستگی نیز بیان کننده میزان هم پوشی مؤلفه های تأثیرگذار فرهنگی بر تولید علوم انسانی یعنی متغیرهای پیش بین با سازه اصلی - تولید علوم انسانی - یعنی متغیر ملاک است. همچنین ضرایب تبیین و میزان F نشانگر آن است که درصد بالایی از واریانس متغیر ملاک با متغیرهای پیش بین عوامل نگرشی و فرهنگی قابل تبیین است. همچنین با ادغام نتایج بخش کیفی (وجود ۲۵ عامل نگرشی در میان ۵۵ عامل فرهنگی) با نتایج بخش کمی (جدول شماره ۳ و ۴) مشخص می شود که در میان عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه پیام نور، عامل نگرش به عنوان عامل پیش بینی کننده قوی برای سازه تولید علوم انسانی است.

در مؤلفه نگرش با بالاترین همبستگی و سهم در تبیین متغیر تولید علوم انسانی در دانشگاه اسلامی، ضرورت تغییر در سه نوع نگرش اجتماعی، مدیریتی و علمی مطرح شده است. در تغییر نگرش اجتماعی راهکارهایی همچون آموزش عمومی در راستای حذف نگاه های آرمان گرایانه، تزئینی و غیر کاربردی به علوم انسانی، ایجاد فرهنگ مطالبه گری پیرامون مباحث علمی در میان افراد جامعه و اجتناب از تعجیل و بی صبری در حل مسائل پیچیده و دشوار این حوزه، برنامه ریزی هدفمند برای ارتقای فرهنگ مطالبه گری علمی در بین همه افراد اجتماع و اشاعه و ترویج ارزش های علمی در جامعه مطرح شده که با پژوهش های خورسندی (۱۳۸۷)، زمانی (۱۳۸۱)، هوپکینز (۲۰۰۱)، رضایی و همکاران (۱۳۸۷، ص ۱۰۰)، عیوضی (۱۳۸۷، ص ۲۸۸) و بختیاری (۱۳۸۷، ص ۴۰۸) همخوانی دارد. برنامه های ترویج و اشاعه علم در بسیاری از کشورهای پیشرو در حوزه علوم انسانی از برنامه های ثابت رسانه های جمعی و کارگاه های عمومی شده و با درونی ساختن نیاز به علوم انسانی و ایجاد ارزش عمومی برای تولید فکر و اندیشه، رغبت جامعه را برای به کارگیری نتیجه تحقیقات علمی گسترش داده اند. پیامد این اقدامات، اصلاح و ارتقاء نگرش اجتماعی به عنوان عنصری بنیادین در تغییر رفتار جامعه، مدیران و فضای علمی است.

ایجاد فرهنگ به کارگیری نتایج تحقیقات علوم انسانی در بین مدیران، تغییر رویکردهای مدیریتی در اعمال سیاست تقدم انسان ها بر راهبردها، ممانعت از استبداد مدیریتی و مدیریت شتابزده بر کانون های علوم انسانی و دانشگاه ها از جمله راهکارهایی است که به منظور بهبود نگرش و عوامل مدیریتی بیان می شود و با دیدگاه صاحب نظرانی چون منصوری (۱۳۸۱)، فونک (۱۹۹۵)، مک لینتون (۱۹۹۷)، هاپکینز (۲۰۰۱)، فضل الهی و ملکی توانا (۱۳۹۰)، ساروخانی و ملکی (۱۳۸۷)، ص ۲۴۰، فراستخواه (۱۳۸۱)، ص ۲۷، شاپین و شافر (۲۰۰۳) و آراسته (۱۳۸۶) انطباق دارد. توسعه زیرساخت های فرهنگی - اداری و تقویت نظام علم مشتمل بر نظام پاداش دهی، نظام ارتباطی، نظام حقوقی، نظام اداری و مدیریتی، تغییر در سبک مدیریت دیوان سالاری در فضای علمی به سوی مدیریت مشارکتی و برقراری ارتباطات گسترده آکادمیک با مجامع علمی، راهکاری در بخش کیفی است که از سوی بسیاری از صاحب نظران مطرح و در بخش کمی نیز تأیید شده است. این نتایج با پژوهش عبداللهی (۱۳۸۷)، توفیقی و فراستخواه (۱۳۸۱)، ص ۱۰، فوهرمن (۲۰۰۱)، الاد (۲۰۰۸)، هولت (۲۰۰۸)، ص ۷۱ و کریمیان (۱۳۸۹) انطباق دارد. بهرنگی و حسینیان (۱۳۸۷)، ص ۱۵۶ و عبداللهی (۱۳۸۷)، ص ۲۵۸ نیز در پژوهش های مستقلی، تأکید فراوان بر برنامه های کوتاه مدت و نیازهای آنی، غلبه تفکر مهندسی در برنامه ریزی و سیاست گذاری کشور و نبود توازن بین حوزه های مختلف را از عمده ترین موانع سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب برای علوم انسانی عنوان کرده اند که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. بدون شک ایجاد ساختارهای فرهنگی منعطف به منظور آزاداندیشی دینی، تشکیل، تقویت و استفاده مطلوب از توانمندی اجتماعات علمی و ارتباطات علمی گسترده و تعاملات سازنده جهت رویارویی با مسائل واقعی در جهان کنونی لازم و حیاتی است.

از این رو براساس نتایج این پژوهش، رفع تمامی موانع فرهنگی در ابعاد مدیریتی، ساختاری و نگرشی می تواند مسیر تولید اندیشه را در حوزه علوم انسانی در دانشگاه های اسلامی ایران هموارتر سازد. همچنین در بین این مؤلفه های سه گانه، مؤلفه نگرش در ابعاد اجتماعی، اداری و علمی دارای بیشترین تأثیر بر تولید علوم انسانی در دانشگاه پیام نور به عنوان یکی از دانشگاه های اسلامی است که می توان با برگزاری کارگاه های تخصصی و برنامه های آموزش و ترویج علوم انسانی در سطح ملی و به کمک رسانه های عمومی در جهت اصلاح آن اقدام کرد.

منابع

- آراسته، ح. (۱۳۸۶). چارچوبی برای تدوین نقشه توسعه علمی کشور: رویکرد سیستمی. *فصلنامه رهیافت*، ۱۷ (۴۰)، ۵-۲۱.

- اشتراس، آ. و کوربین. (۱۹۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه ها و روش ها* (بیوک محمدی مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابراهیمی، س، و حیاتی، ز. (۱۳۸۷). *کمیت و کیفیت تولید علم در دانشگاه های ایران. اندیشه های نوین تربیتی*، ۴ (۴۲)، ۱۱۰-۱۲۳.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۷). *مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: نشر دیدار.
- باقری، م. و سلیمی، ق. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر عوامل ساختاری و رفتاری مؤثر بر ارتقای فرهنگ تولید علم در دانشگاه های کشور. مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۱۰)، ۲۰۶-۱۸۱.
- بهرنگی، م. و حسینیان، س. (۱۳۸۷). *بسترسازی افزایش اثربخشی رشته های علوم انسانی با کاهش موانع ادراک متقابل سایر رشته ها. مقالات کنگره علوم انسانی*. ج ۸.
- توفیقی، ج. و فراستخواه، م. (۱۳۸۱). *لوازم ساختاری توسعه علمی در ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۸ (۳)، ۱-۳۶.
- ذوالفقارزاده، م؛ امیری، ع. و زارعی متین، ح. (۱۳۹۰). *کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظریه و گونه شناسی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. نشریه مدیریت راهبردی*، ۵ (۱)، ۴۵-۹۷.
- ربانی خوراسگانی، ع؛ قاسمی، و؛ ربانی، ر؛ ادیبی سده، م. و افقی، ن. (۱۳۹۰). *تحلیل جامعه شناسی شیوه های تولید علم؛ تأملی در رویکردهای نوین. فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۴ (۴)، ۱۱۷-۱۵۸.
- رضایی، م؛ کرمانیان، ح. و اکبری، م. (۱۳۸۷). *توسعه تحقیق رهیافت تحقق توسعه ملی و بررسی موانع ساختاری پژوهش در علوم انسانی. مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی*. ج ۶.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۱). *موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ژولین، ف. (۱۳۷۲). *نظریه های مربوط به علوم انسانی (علی محمد کاردان مترجم)*. تهران: نشر دانشگاهی.
- ساروخانی، ب. و ملکی، ح. (۱۳۸۷). *تحلیل جامعه شناسی نقش انجمن های علمی در فرایند سیاست گذاری آموزشی و پژوهشی کشور. مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی*. ج ۸.
- سند چشم انداز بیست ساله توسعه ایران. (۱۳۸۴). *برنامه پیشنهادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*. نامه آموزش عالی: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- شاه حسینی، م. و شمسایی، ا. (۱۳۷۶). *موانع و تنگناهای پژوهشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده های کشاورزی. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران*. دانشگاه علامه طباطبایی، ج ۲.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۸۴). *جایگاه علوم انسانی در تولید علم*. تهران: سازمان چاپ نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- صفایی فخری، ل. و بهرنگی، م. (۱۳۸۸). *بهره گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی. مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۳ (۲)، ۱۶۲-۱۳۶.
- عبدالهی، م. (۱۳۸۱). *پژوهش علمی و موانع آن در ایران. فرهنگ پژوهش*، (۱۰)، ۳۰-۴۸.

- عزیزی، ن. (۱۳۸۷). وضعیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها. *مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی*. ج ۵. عطارزاده، م. (۱۳۸۶). ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور. *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، ۹(۲۶ و ۲۵)، ۴۷-۸۰.
- عیوضی، م. (۱۳۸۷). آسیب‌ها و موانع علوم انسانی در ایران. *مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی*. ج ۸. غروی نائینی، ن.؛ مصطفوی فرد، ح. و مصطفوی فرد، ز. (۱۳۹۱). ارتقای فرهنگ علم‌ورزی در دانشگاه اسلامی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲(۲)، ۲۵۷-۲۷۸.
- فاضلی، ن. (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و فرهنگ دانشگاهی بریتانیا. *فصلنامه انسان شناسی*، ۲(۳)، ۹۳-۱۳۲.
- فراست‌خواه، م. (۱۳۸۸). مقایسه سه گذرگاه معرفتی درباره «دانش بومی» در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۹۷-۱۱۰.
- فریدون، ع. (۱۳۸۳). *سیاست‌ها و راهبردهای علم و فناوری*. دایره‌المعارف آموزش عالی، به کوشش نادرقلی قورچیان و همکاران. ج ۱. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- فضل‌الهی، س. و ملکی توانا، م. (۱۳۹۰). راهکارهای برون‌رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه‌ها. *نشریه معرفت*، ۲۰(۱۲)، ۱۱۱-۱۲۴.
- قراملکی، ف. (۱۳۸۰). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.
- کارنما، ا. (۱۳۸۷). نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی دانشگاه‌ها. *مجموعه مقالات علوم انسانی*. ج ۲. کراسول، ج. و پلانو، و. (۲۰۰۷). *روش‌های پژوهش کیفی* (علیرضا کیامنش و سرایی مترجم). تهران: آبیژ. کریمیان، ز. و همکاران. (۱۳۸۹). بررسی تأثیرات متقابل جامعه، محققین و دانشگاه بر تولید علم. *فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۲(۱)، ۱-۹.
- کیامنش، ع. (۱۳۸۴). *سنجش و اندازه‌گیری آموزشی*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- گال، م.؛ بورگ، و. و گال، ج. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی و محمود ابوالقاسمی مترجم). تهران: سمت.
- گذارگر، ح. و علیزاده‌اقدام، م. (۱۳۸۵). مطالعه عوامل مؤثر بر تولید علم در بین اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۳۹(۲)، ۱۴۸-۱۲۳.
- منصوری، ر. (۱۳۸۱). همچنان اعتقادی به پژوهش نداریم. *خبرنامه تحقیقات و فناوری*، ۲۶(۲)، ۲-۲۴.
- موسوی موحدی، ع.؛ کیانی بختیاری، ا. و خان‌چمنی، ج. (۱۳۸۲). روش‌های تولید و اشاعه یافته‌های علمی. *فصلنامه رهیافت*، ۳۱(۳)، ۵-۱۹.
- میرزایپور ارمکی، ا. (۱۳۹۰). اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن. *فصلنامه رهیافت*، ۴۹(۴)، ۶۹-۷۷.

نیستانی، م. و رامشگر، ر. (۱۳۹۲). نقش فعالیت های فرهنگی دانشگاه ها در توسعه فرهنگی جامعه. فصلنامه مهندسی فرهنگی، ۸ (۷۶)، ۱۴۶-۱۶۹.
هومن، ح. (۱۳۸۵). راهنمای عملی در پژوهش کیفی. تهران: سمت

- Buela-Casal, G. & et al. (2007). Comparative Study of International Academic Ranking of Universities, *Scientometrics*, 3,349-365.
- Carayanis, Elias G, Campbel, David, F. J. (2012). *Knowledge Creation, Diffusion and Use in Innovation Networks and Knowledge Clusters*. A Comparative Systems Approach across the United States, Europe and Asia, Prayer Publisher, London.
- Clark, Tony. (2006). *OECD Thematic Review of Tertiary Education*. Country report: United Kingdom.
- Corwin. R, Karen L. (1982). Organizational Barriers to the Utilization of Research. *Administrative Science Quarterly*, 27(4).
- Edward, I. (1994). A Review of the Literature on Dessemination and knowledge utilization.
[http:// www.ncddr.org/du/products/review/review8.html](http://www.ncddr.org/du/products/review/review8.html)
- European Science Foundation. *European Reference Index for the Humanities (ERIH)*. Available at: <http://www.esf.org/research-areas/humanities/erih-european-reference-index-for-the-humanities.html> [Accessed 13 December 2012].
- Fazekas T, Varro V. (2001). Scientometrics and Publishing in Hungarian Medical Science. *Ethical and Technical Issues. ORV Hetil*, 142(45), 2493-9.
- Fuhrman, M. (2001). [r.org/du/products/review5](http://www.ncddr.org/du/products/review5).
- Fullan, M. (1991). *A Review of the Literature on Dessimation and knowledge utilization*. The Intended Users. <http://www.Ncddr.org/du/products/review/review10.html>.
- Godet, M. (1994). From Anticipation to Action. *UNESCO Publication*.
- Guan, J., and K. Chen. (2010). measuring the Innovation Production Process: A Cross-Region Empirical Study of China's High-Tech Innovations. *Technovation*, 30(5), 348-358.
- Guimaraes Pereira, A. (2007). *Science Communications*. The Novi Sad Knowledge Assessment Methodologies, Fall School.
- Havelock, R. G. & Benne, K. D. (2003). *An exploratory study of knowledge utilization*. [/www.ncddr.org/du/products/](http://www.ncddr.org/du/products/).

- Hayton, A. & A. Paczuska. (2004). *Introduction: Education in Demand? In Hayton, A. & Paczuska (eds); Access, Participation and Higher Education: Policy and practice; London: Kogan Page.*
- Hennink, M, Stephenson, R. (2004). Using Research to inform Health Policy: Barriers and Strategies in Developing Countries. *opportunity and Choices Working Paper, (9), 1-37.*
- Holm, V. M., & Liinason, M. (2005). Disciplinary boundaries between the social sciences and humanities: *National report on Norway.*
- Holt, R. (2008). *Knowledge utilization in Education.* WWW.thedratner.com.
- Hood, P. (2005). Perspectives on knowledge utilization in Education. www.westED.org/ online.
- Hopkins, D. A. (2001). *Teachers guide to Classroom Research.* Third edition Buckingham. U.K. P78
- [http:// www.Horizon 2020: The Framework program For Research and Innovation](http://www.Horizon2020.org/)
- [http://access.isiproducts.com/trials.](http://access.isiproducts.com/trials)
- [http://scimagoir.com/2015.](http://scimagoir.com/2015)
- [http://www. AHRC. Uk / Arts and Humanities Research Council of Great Br.](http://www.AHRC.Uk/) (2013).
- http://www.scopus.org.uk/grants_about_history.html(2017).
- <https://www.ria.ie/about/our-work/> Task Force Academy for Humanities and Social Sciences Federation of Europe 2012
- Humanities Massachusset Foundation (MFH). (2005). *What are Humanities, Massachusset Foundation for the Humanities,* retrieved from: [http://www.mfh.org/ foundation/ human. Htm.](http://www.mfh.org/foundation/human.Htm)
- Jackson, S. E., M. A. Hilt & A. S. Denisi. (2013). *Managing Knowledge for Sustain Competetive Advantage.* San francisco. USA. Black Well Publishing.
- Kisker, & Braown, (1996). *Process of Knowledge utilization.* www.confex.Com
- Klein, J. T. (2005). *Humanities, Culture and Interdisciplinary: The Changing American Academy.* New York: State University of New York Press.
- Lelee, S., & Norgaard, R.B. (2005). Practicing interdisciplinarity, *Bioscience, Washington, 55(11), 967.*
- Lason, J. and Azizi, N. (2006). Education, Training and the Economy: preparing Young people for a Changing Labour Market. *Institute for Educational Research: Jyvaskyla University Press.*
- Leach. A. James, (2011). *The summery of statement in Congress of America.* Base of National Endowment for the Humanities.

- Levacic, R & Glatter, R. (2001) .Really Good Ideas: Developing Evidence-informed Policy and Practice in Educational Leadership and Management. *Educational Management and Administration*, 29(1), 5-25.
- Lord. K. M and Turekian. V. C. (2007). Time for a New Era of Science Diplomacy, *Science*, 315.
- Majumder. MAA. (2004). Issues and Priorities of Medical Education Research in Asia. *Annals Academy of Medicine*, 33(2), 257-263.
- Maracas, G. M. (1999). *Decision support system in the twenty – first century*. Prentice - hall, Englewood cliffs VIII.
- Mehrdad, M., A. Heidari, M. N. Sarbolouki and S. Etemad. (2004). Basic Sciences in the Islamic republic of Iran 1966-2005 in *Scientometrics*, 61(1).
- OECD (2007). Research and Development Statistics. Gross domestic Expenditure on R&D by sector of performance and source of Funds, (1).
- Olade, R. (2008). *Tyler collaborative research utilization, USA* .26thSeptember poster
- Ossenblok, T.L.B., Engels, T.C.E., Sivertsen, G. (2012). The representation of the social sciences and humanities in the Web of Science - A comparison of publication patterns and incentive structures in Flanders and Norway (2005-9), *Research Evaluation*, 21(4), 280-290.
- Peterson, JC, et al. (2007). Framework for research utilization applied to seven case studies. America.
- Piganiol, Pierre (2010). Laying the Foundations of French Science. *Policy Science and Public*, 1/8(1), 23-30.
- Sampt. B and D. Mowery. (2005). *University in National Innovation System*, P.209.
- Schofer, Evan: Francisco O. Ramirez and John W.Meyer. (2000). The Effects of science on National Economic Development, 1970 to 1990.
- Seipel, M. (2006). *Interdisciplinarity: An Introduction*, Tru, an state University, Kirksville, Missouri.
- Sivertsen, G., Larsen, B. (2012). Comprehensive bibliographic coverage of the social sciences and humanities in a citation index: An empirical analysis of the potential, *Scientometrics*, 91(2), 567-575.
- Smith, K. (1990). What is The Knowledge Economy? , 43.
- UNESCO. (1995). The World Conference on Higher Education in the Twenty-First Century: vision and Action.
- Verkasalo, M. & Lappalainen, P. (2002). A method of measuring efficiency of the knowledge utilization process University of Oulu, EE Department.

Wachtler. C, alundin. S, Troein. M (2006). *Humanities for Medical Students? A Qualitative Study of a medical Humanities Curriculum in a medical School Program*. BMC Med Edu, 6, 16.

www.UA.Science policy in Australia 2013

www.esf.org/.../humanities-researchers/ Report of the Working Group on Science, Technology and Humanities of Europe (2008, 2011).

www.innovation.gov.au/.../Budget/.../SRI Budget T/ The Australian Government's 2012-13 Science, Research and Innovation Budget Tables.

www.Science policy in Australia. (2013)

www.scopus.com/home.url (2013)